

مسافرت کوتاهی به نیجریا

مملکت اضداد و تباین

از میان کشورهای آنی که دیده‌ام مملکت نیجریا از بعضی لحاظ درمن تاثیر بسزائی نموده و بیشتر از سایر نقاط مرا مفتون کرده است. این مملکت پر جمعیت ترین نقطه آفریقا است یا بهتر بگوئیم سکنه آن از تمام امپراطوری بریتانیا بیشتر است. اگرچه اختلاف عقاید سیاسی، اوضاع درهم و برهمی را در این ناحیه بوجود آورده و نودوینج درصد مردم آن از نعمت سواد بی بهره اند ولی چنین بنظر میرسد که این مملکت از تمام ممالک مشترك المنافع بریتانیا در آفریقا با استثنای « ساحل طلا » La Côte de l'or (لاکت دولتر) برای بدست آوردن استقلال کامل خود حاضر تر و مستعدتر است. اینست که اهالی تصمیم دارند در ظرف کمتر از دو سال وضع سیاسی خود را تغییر داده و از جرگه مستعمرات بریتانیا خارج شوند.

در این کشور اکثریت، باسکنه سیاه پوست است و از سی میلیون جمعیت ۱۱۷۵۰ نفر فقط اروپائی میباشند. در نواحی دور دست و کنار افتاده آن بای هیچ سفید پوستی نرسیده و مردم آن تا کنون اروپائی ندیده اند، با اینکه در بعضی نقاط دور افتاده آن مجازاتهای سختی برای آذغواری در نظر گرفته شده ولی در تمام این اقلیم وسیع و پر سرو و صدا جائی نیست که یک نفر زن و مرد سفید پوست باطمینان و آرامش خیال بتواند بسیر و سیاحت پردازد.

اهالی نیجریا مردمی پرهیجان و شورش طلبانند و در انقلاب و اغتشاش پیشرفتهای زیادی کرده اند. از لحاظ تعلیم و تربیت بسیار عقب مانده هستند. فقط ۲۰۰۰۰ نفر از اهالی معلوماتشان در حدود تحصیلات متوسط می باشد. در عوض نیجریا برای اولین بار در سال ۱۹۵۲ بازیکنان خود را در بازیهای المپیک عرضه داشته؛ از کشورهای آفریقا نیجریا از ممالک نادری است که سکنه آن از اینکه از نژاد سفید نیستند رنج نمیبرند و ناخشنود نیستند مگر در هنگام شرکت در بعضی مجالس خوش گذرانی که در آنجا تعصب زیاد وجود داشته باشد. یک نفر بومی میتواند در همه مفازه ها و بانک ها آمد و شد بکند و همچنین میتواند هر شغلی که مایل است اختیار کند.

بمجرد ورودم از مردم سوالات زیر را نمودم و جواب آنها درست بعکس جوابی بود که در سایر نقاط آفریقا دریافت داشتم:

- ۱ - آیا یک نفر آفریقائی حق دارد در نیجریا آزادانه مشروب بنوشد؟
— بلی، مسلماً.
 - ۲ - آیا هنوز هم در شبها مقررات خاموشی چراغ و آتش در ساعت معین است و عبور و مرور مردم محدود است؟
— ابدأ.
- آیا برای قبول کردن بچه های بومی در مدارس اشکالاتی هست؟

— هنوز تصمیمی برای اینکه تحصیلات اطفال سفید پوست هم تأمین و تضمین بشود گرفته نشده.

۴ - آیا يك پلیس سیاه پوست حق دارد يك سفید پوست را توقیف کند ؟

— غالباً این اتفاق میافتد که يك پلیس سیاه پوست بدون برخورد بمقاومت و عکس العملی بکنفر سفید پوست متهم را جلب میکند .

تصادفاً در همان روز ورود من يك اروپائی که متهم بقتل بود میبایستی در محکمه بومیان حاضر و بوسیله قاضی بومی محاکمه شود .

روزی در لاگوس (پایتخت) در سالن انتظار قصر حکمران نشسته بودم و در حین صرف شربت با سایرین که منتظر شرفیابی بحضور حکمران بودند صحبت میکردم . در بین آنها دو یا سه افسر سیاه پوست خیلی رعنا و ظریف بود که متعلق به سیاه مغرب افریقا از سیاه امپراطوری بودند نه تنها این جوانان سیاه پوست سمت افسری داشتند و نه فقط در قصر حکمران شربت میخوردند ، بلکه آنها بشخصه آجودان حکومت بودند . آجودان شدن آرزوی هر افسر جوانی است (چه سیاه پوست و چه سفید پوست) اما اقرار میکنم که در هیچ جای دیگر از قاره افریقا تا کنون بیک آجودان سیاه پوست برخورد نکرده ام .

در هنگام مسافرت ما ، سه مجمع سیاسی در نیجریا وجود داشت یکی برای ناحیه شرق ، دیگری برای غرب و سومی برای شمال . در این مجالس که نمایندگان آنها از طرف قاطبه اهالی انتخاب میشوند طبعاً اکثریت قاطع همیشه باسیاه بوستان است .

این مجالس مشورتی نیست بلکه دارای اختیارات قانونگزاری و سیمی میباشد ، گو اینکه انگلیسها هر وقت منافشان ايجاب کند و مقتضی بدانند بوسایلی باعث سقوط یا عدم موفقیت این مجالس میکردند . انجمن های ناحیه ای هر يك در مرکز شان ۱۳۶ نماینده انتخاب میکنند که تشکیل مجمع قانونگزاری مرکزی آن حوزه را میدهد ، مقر مجلس نمایندگان در لاگوس پایتخت نیجریا است و پارلمان نیجریا را تشکیل میدهد .

اعضای پارلمان اساساً سیاه پوست و دارای قدرت زیاد در وضع قوانین میباشد معذک گاهی دوازده عضو انگلیسی که کم و بیش بطور تجملی در این مجلس شرکت دارند در مواقع بحرانی آراء خود را با آراء نمایندگان طرفدار انگلستان مجتمع میکنند و بدین ترتیب همیشه تعادل فوا کرده و منظور خود را پیش میبرند .

برخلاف «ساحل طلا» نیجریا هنوز نخست وزیر ندارد و در رأس دولت همیشه حکمرانی است که نماینده تاج و تخت امپراطوری میباشد و از طرف وزارت مستعمرات باین سمت انتخاب میگردد . این حکمران حق قانون گذاری دارد . یعنی مقامش با اجازه میدهد قانونی را بواسطه فرمان مخصوص خود رسماً اعلام بکند ، بدین طریق ادهر قانونی که میخواهد اجرا کند ابتدا بمجلس میدهد اگر بعد از يك مدت معقوله مجلس این قانون را تصویب نکرد شخصاً اقدام به انتشار و اجرای آن می نماید ، و برعکس هر قانونی را و گرچه از تصویب مجلس هم گذشته باشد و حکمران آنرا موافق بیا منافع انگلستان تشخیص ندهد از حق و تو استفاده کرده آنرا ملغی میسازد . حاکم فعلی هنوز از این قدرت بدون قید و شرط خود استفاده نکرده .

اغلب انگلیسها این ایده را که روزی باید با استقلال نیجریا موافقت بکنند قبول دارند . اما غالباً از نظر نوع دوستی نه نفع شخصی مناسب نمیدانند این استقلال باین زودیهها به نیجریا داده

شود. یکدوره تابیت و تحت استعمار بودن را برای این مملکت هنوز لازم میدانند؛ علاوه آنها میخواهند که نیجریای نسبتاً آزادی درین ممالک مشترک المنافع وجود داشته باشد و بهیچوجه مایل نیستند که این مملکت را مثل پیرمانی کاملاً از دست بدهند. اگر آنها امتیاز یش امتیاز باهالی نیجریا میدهند بدین امید است که با این رفتار ملایم لافل نیجریا را در دامن امپراطوری نگهدارند و پیوسته با آن روابط دوستانه داشته باشند.

نیجریا از نیجر گرفته شده (شط سباهان) این شط از حیث طول همین شط دنیا و سومین رودخانه بزرگ افریقا بعد از کنگو و نیل میباشد و از کبته فرانسه سرچشمه میگردد. این شط بطی السیر و با عظمت یک انحنای عظیمی تا حدود صحرا رسم میکند بعداً نیجریا را بدو قسمت تقسیم کرده بعد از طی ۴۰۰۰ کیلومتر مسافت باقیانوس میریزد. وسعت زمینی که این رودخانه از آن عبور میکند (در داخل نیجریا و خارج از خاک آن) بالغ بر ۱۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که تقریباً دو برابر ونیم خاک کشور فرانسه میشود. دلتای این رود ۲۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد؛ و در آن هزار رودخانه کوچک بطور عجیبی درهم می پیچد و مساحت خاک آن از دلتای بزرگ نیل وسیعتر است.

در سال ۱۴۷۲ که پرتغالیها برای اولین دفعه با بر سواحل نیجریا گذاشتند، بزودی از ممالک دیگر دستجاتی سوداگر خانه بدوش در جستجوی کالا، ادویه، دندان فیل، روغن نخل، پارچه های پنبه ای و پارچه های که از پوست درخت خرما تهیه میشود بدنیاال پرتغالیها براه افتادند ولی در این موقع تجارت سودمندتری بوجود آمد، تجارت نوع انسانی؛ از آن موقع تا سه قرن بردگی بامنتهای سنگینی خود بر روی سرنوشت ملت نیجریا فشار می آورد. جالب است یاد آور شویم که تقریباً تمام سکنه سیاه پوست ممالک متحده امریکا بدون ذکر سیاه پوستها و نیمه سیاه پوستهای امریکای مرکزی و امریکای جنوبی - اصل و نسبشان به ساکنین قدیمی این سواحل افریقا میرسند. بعبارت دیگر تقریباً ۱۵ میلیون از امریکاییهای سیاه پوست یعنی نزدیک یکدهم از مجموع ملت اتانزونی اصل و نژادشان از افریقای غربی است.

نفوذ سیاسی انگلیسه از ۱۷۹۰ شروع شد اما سالهای متعددی موفق نشدند کاملاً در آنجا مستقر شوند. سختی آب و هوا، دشمنی بومیها با سفید پوستها و حتی وضع سرزمین طوری بود که بسیار مناسب داشته است اگر این مملکت را مدتها «قبرستان انسان سفید» می نامیده اند، همچنانکه امروزه مأمورین کشوری انگلیس مقیم نیجریا برای حفظ سلامتی خود از یک تعطیل سه ماهه سالیانه استفاده میکنند.

مصیبت بزرگ نیجریا فقدان ارتباط بین نواحی مختلف آن است. از نقطه نظر جغرافیائی این مملکت وضعی عجیب دارد؛ سه مملکت در یک کشور، سه خطه و سرزمین که بملط بآن نام (ایالت) داده اند؛ نواحی شمال، مغرب، مشرق، مشرق و مغرب را عموماً تحت نام «جنوب» اسم میبرند، با این وجود یک سیاستمدار عالیقدر و وطن پرست چنین برایم بیان کرده است؛ بهمان اندازه که ایرلند و آلمان بهم شباهت ندارند مشرق و مغرب نیجریا نیز بایکدیگر متفاوت میباشد. و همچنین همانقدر که چین با این دوناحیه اختلاف دارد شمال نیجریا هم با این دوخط مشابه نیست؛

نیجریای شمالی در آن طرف خط سرحدی که رودخانه نیجر و شمه مهمش Benoué ایجاد کرده است واقع شده از حیث وسعت دو برابر مجموع خاک نیجریای شرقی و غربی میباشد. تقریباً

نیجریائی بعنوان بودر استعمال میکنند ، بابرین عرضه میدارند . اشیائیکه بکار سحر و جادو میآید از قبیل حجمهٔ میمونها ، موشهای خشک شده ، منقار طوطیها ، سنگدان مرغان که با نهایت دقت باد کرده‌اند و بصورت بالن درآمدہ است ، رشته‌های رودهٔ گوسفند ، دندانهای زهری ماران ، قفسهائی از نی ، جسد کوچک یکتووع پرندۀ قشنگ از نوع طوطی جلب توجه میگرد .

بزرگترین شهر نیجریا ایبادان IBADAN پایتخت نیجریای غربی دارای ۵۰۰۰۰۰ نفر سکنه است که عدۀ کمی از آنها سفید پوست هستند ، این شهر نه تنها وسیعترین شهر سیاه‌پوستان عالم است بلکه بعد از قاهره و ژانسنبورگ سومین شهر مهم افریقا است . ایبادان يك منظرهٔ كاملاً شگفت‌آوری دارد ؛ تا چشم‌کار میکند بامهای منازل که از آهن سفید پوشیده شده بقدری پیوسته و ممتد میباشد که بنظر میرسد این شهر عظیم در زیر سربوشی از آهن سفید قرار دارد . ایبادان مثل سایر قسمتهای نیجریا وضع خاص دارد . یعنی مخلوط عجیبی از مظاهر تمدن جدید و رسوم قدیم بهم آمیخته است در آنجا پنج کروکودیل (اسب آبی) مقدس را احترام میکنند ولی این مانع نیست که در آنجا يك دانشکده هم پیدا شود که کتابخانهٔ آن دارای ۱۰۰۰۰۰۰ جلد کتاب باشد . این کالج در يك بنای مجللی از شیشه قرار گرفته است طرز بنایش آخرین سیستم و وابسته بدانسگاه لندن میباشد ، در سال ۱۹۵۲ افتتاح شده است . هنگام بازدید این دانشگاه اگر راهنمای ما تذکر نداده بود که يك حشره شناس در این منطقه در يك محیط ۲۵۰۰ متر مربعی ۲۰۰ شب‌پره از انواع مختلف و متنوع پیدا کرده است ما کاملاً فراموش میکردیم که در وسط افریقا و در منطقهٔ حارهٔ هستیم . از این محیط که بگذریم نیجریای شمالی با تمام مظاهر خود همه جا جلوه گر است ، اینجا افریقای مسلمان و همچنین افریقای اقیانوس تمام نشدنی و وسیع رنگ است که فقط گامهای آهسته و بطئی شتران آرامش آنرا بهم میزند . این سرزمین مسکن زنان با حجاب ، مرکز مناره و گلدسته‌ها ، اطلاعاتی مربع شکل و دست دادن و مصافحه بطریق خاص اعراب است .

(کانو) Kano پایتخت این ناحیه مثل یکن بواسطه دیوارهای ضخیم و بلندش مشهور است ، این دیوارهای عظیم از گل بر آورده شده و قسمت بالای آن در حال گرد و غبار و پراکنده گشتن است . در داخل این حصار ۹۸۰۰۰ نفر ساکن هستند و در خارج آن ۳۱۰۰۰ .

کانو بتاریخ هزار ساله اش مباحث میکند حال اینکه تا قبل از رفتن (کابیتن هوگ کلی پرین) ، که در سال ۱۸۲۴ قدم باین شهر گذاشت هیچ سفید پوستی از وجود چنین شهری اطلاعی نداشت . در عین حال هیچ چیز جالب توجه تر از فعالیت و عالیت از لحاظ رنگها و گیرنده تر از بازار کانو که در وسط آفتاب میدرخشید نیست . در این بازار که بی شباهت بیازار شهرهای مشرق زمین نیست گوئی هر ساعت باشخصیت های کتاب هزار و یکشب از قبیل علاءالدین ، شهرزاد و طاروق صحرا که برای خرید پارچه های نیلی زحمت مسافرت طولانی را بخود هموار نموده اند برخورد میکنیم . اما موضوع دیگری که فوق العاده در نظر جالب توجه آمد اینست که چه در داخل و چه در خارج حصار ها زمین شهر از تعداد زیادی هرمهای تقریباً سبز رنگ که دارای نقشه هندسی کاملی است پوشیده شده است بامشاهدهٔ آنها با خود میاندیشیدم و بفکر مآمد که اینها از نمونه های عجیب و غریب معماری است که من تا بحال دیده ام ؛ درحقیقت این ساختمانها مخازن بادامهای زمینی هستند که موقتاً ذخیره شده اند تا بعداً بحمل آنها اقدام شود . میلیاردها دانه در این هرمها که پوشیده در پارچه های قطران اندود است انبار شده برای اینکه قطار هائیکه معمولاً همیشه پر از مال التجاره است برسد

و آنها را بساحل حمل کند. در سال اخیر محصول بادام زمینی ۴۴۰۳۲۰ تن متريك بوده كه ۲۰۴۸۰۰ تن آن هنوز در انبارهای هر می شكل مذکور باقیست. هر يك از این هر مه‌ها شامل ۷۷۸ تن میباشد كه هر تن محتوی ۱۴ کیسه و هر کیسه حاوی تقریباً ۷۷ كيلو دانه است. اگر حوصله دارید و از بازی اعداد بدتان نمی‌آید با داشتن وزن يك بادام زمینی تعداد بادامهای زمینی موجود در شهر كانو را حساب كنید. ما يك بعداز ظهر تمام با برادر امیركانو كه یكی از ۷۸ نفر مدعی تاج و تخت بود گذرانیدیم. این شخص دوست داشتني يك عمامه عجیب صورتی رنگك بسر داشت، او ما را بيك شورای شهرداری برد كه چیزی از آن جلسه مفهوم نشد. ما مذاكره این دهاتپهای بیچاره و بدوی با لباس كهنه یا نیمه عریان را اول در اطراق شوری و بعداً در خارج - در حوزهایكه در زیر درختها تشكيل دادند - شنیدیم. چهره هر يك از آنها اثری از خطوط مشخصه قبیله‌شان را داشت، اغلب بچه‌های خود را كه كشیف و سر و وضع آشفته‌ای داشتند و پوشیده از خاکستر مقدس بودند (مربوط با آتش كه در مراسم مذهبی میسوزانند) همراه داشتند. آنها بطرز سنگین و با قاری از موضوعهای مختلف بحث می‌كردند؛ مثلاً از درختهای انجیر یكه بتازگی كاشته بودند از كمكهایيكه باید به مرضی و اشخاص عاجز نمود از نگهبان شب كه در نظر داشتند او را با حقوق ماهیانه يك شیلینگ استخدام كنند. بعد ناگهان مثل اینكه معجزهای باید بوقوع پیوندد آزمایشی كه برای مسطح كردن مزارع خود در نظر داشتند خریداری كنند با شور و شغف خاص صحبت نمودند. شبی در مجلس شب نشینی حضور داشتم بعضی از مدعوین كه ظاهراً دانا و عاقلتر از سایرین بودند رشته صحبت را بدست گرفته چنانكه گویی بر بالهای خیال سوار شده بر فراز ابرها سیر و سیاحت می‌كنند ادراكات بشری را مورد بحث قرار میدادند، سپس بلامقدمه از كار دامهای قدیم آزمایش‌های جدید كه برای تسطیح اراضی مزروعی بكار می‌رود بطور درهم و برهم بایكنوع آزادی خاصی صحبت می‌كردند. باور كنید در آن لحظه گمان می‌كردم زمین در زیر پایايم بشدت تكان می‌خورد. رویهمرفته آیا نیجریا امروز لایق است كه مستقل و آزاد باشد؟

اگر مسئله را بر حسب قوانین و رسوم غرب مورد بررسی قرار دهیم پاسخ سؤال بالا مسلماً منفی است. ولی برای سرزمینیكه آماده برای پذیرفتن قوانین نمایا شد مسئله عوض میشود، آماده یاغیر آماده، نیجریا خودش بانهایت تصمیم راه استقلال را در پیش گرفته است و ترجیح میدهد مستقل باشد ولو اینکه اوضاع آن بدتر بشود تا اینکه دیگران بر آن حكومت كنند و اوضاع كشور خوب و بسوی ترقی كمال برود. انگلیسها بخوبی میدانند كه برای آنها بیشتر از این میسر و ممكن نیست كه از نهضت استقلال طلبی نیجریائی جلوگیری كنند ولی عاقلانه سعی می‌كنند كه مسیر این نهضت را بشف خود تغییر دهند.

امروز از هر دو جانب، هم در كشور انگلستان و هم در مملكت نیجریا صاحبان حسن نیت باجدیت تمام كوشش می‌كنند كه بر موانع و مشكلات فائق آیند. اگر در این وظیفه دشوار، موفق شوند نیجریا میتواند يك دومینون درخشان در آغوش ممالك مشترك المنافع باقی بماند.